



جمله‌های چند جزئی ساده و ناگفته‌های آن

مقدمه

نظام منسجم و پیچیده‌ی زبان، نقش اساسی در ایجاد ارتباط بین انسان‌ها دارد. نظامی که از اجزای قانونمند کوچک‌تر ساخته شده است و پیام را در قالب جمله به افراد منتقل می‌کند. در نظام آموزشی کشور ما، دانش‌آموزان به تدریج با آواها، نشانه‌ها و واحدهای بزرگ زبان آشنا می‌شوند و پس از ورود به دوره‌ی متوسطه به اجبار باید اجزا و قوانین قالب ارتباطی خود را بشناسند و ساختار نوشته‌های خود را مشخص کنند و تا حدی به روستا ساخت و مفاهیم زبان خود آگاه شوند. برای رسیدن به این مهم دروس زبان فارسی (۱) و (۲) و (۳) عمومی و تخصصی در نظر گرفته شده است.

بخشی از مبحث دستور کتاب‌های زبان فارسی سه ساله‌ی دوره‌ی متوسطه به شناسایی اجزای جمله‌های ساده و شیوه‌های تشخیص اجزای جمله اختصاص دارد. اما مشاهده می‌شود این مباحث، پس از تدریس مفصل همکاران گرامی و تکرار و تمرین‌های پی‌درپی دانش‌آموزان، به خوبی درک نمی‌شود و بسیاری از دانش‌آموزان عملاً در فهم و تشخیص آن‌ها با تردید و مشکل مواجه می‌شوند و نمی‌توانند برای تعیین اجزای اصلی جمله‌ها تصمیم بگیرند. هر چند نواقص این کتاب‌ها و نداشتن انسجام و پراکنده بودن مطالب و مفاهیم آن‌ها در ایجاد این مشکل بی‌تأثیر نیست، اما فراموش نکنیم که دامنه‌ی گسترده و متنوع جمله‌ها در زبان فارسی، دانش‌آموزان را با طیف وسیعی از واحدهای زبانی و مفاهیم گوناگون مواجه می‌کند و مطالعه نکردن آن‌ها بر نارسایی و مشکل در فهم این مباحث دامن می‌زند.

به هر حال، پایان دادن به این بخش از مشکلات دانش‌آموزان و تکمیل ناگفته‌ها و نانوشته‌های کتاب، مثل همیشه، همت بلند مؤلفان و دبیران مشتاق و دل‌سوز زبان فارسی را می‌طلبد تا، در کوتاه‌ترین فرصت و با بهترین شیوه، مفاهیم را به دانش‌آموزان آموزش دهند.

این نوشته گام کوچکی است که برای بررسی گذرا و کوتاه جمله‌های ساده و اجزای آن برداشته شده و امید است در بهبود کیفیت آموزش دانش‌آموزان مفید واقع شود.

جمله‌های ساده

– جمله‌ی ساده، بزرگ‌ترین واحد زبان است، متشکل از گروه و دارای مفهوم و پیام و یک فعل دارد. جمله‌ی ساده از نهاد و گزاره تشکیل شده و حداقل دو جزء و حداکثر چهار جزء دارد. نهاد، خبر است و گزاره، صاحب خبر.

– مهم‌ترین قسمت جمله‌ی ساده فعل آن است که هسته و مرکز جمله است. زیرا اصلی‌ترین و بیش‌ترین سهم را در پیام و محتوا و انتقال مطالب برعهده دارد.

– ویژگی‌های فعل: دارای شخص و شمار (شناسه) است، زمان دارد، یا معلوم است یا مجهول، یا «گذرا» است یا «ناگذر» و به صورت امری، خبری و التزامی به کار می‌رود.

اگر به ساختار جمله توجه کنیم، سرنوشت هر جمله بر پاشنه‌ی فعل می‌چرخد و رگ حیاتی سخن با فعل رقم می‌خورد. بنابراین، برای شناخت اجزای جمله‌های ساده موارد زیر لازم است:

۱. تعیین فعل؛ ۲. تعیین شخص و شناسه، ۳. تشخیص نهاد؛ ۴. توجه به به حضور نقش‌نماها و گروه‌های اسمی همراه با نقش‌نماها (با پرسش کردن)، ۵. شناخت دقیق انواع نقش‌نما و گروه‌های اسمی، ۶. تعیین اجزای جمله به صورت گروهی (ارتباط هسته با وابسته‌ها)، ۷. آشنایی با شیوه‌ی مجهول کردن جمله‌های معلوم و عکس آن، ۸. توجه به مفهوم و معنی جمله (علاوه بر ظاهر جمله)، ۹. توجه به این‌که جمله‌های مجهول در دسته‌بندی جمله‌های ساده قرار می‌گیرند.

چکیده

در این نوشته سعی شده است جمله‌های ساده‌ی معلوم و مجهول و اجزای سازنده‌ی آن‌ها، با توجه به فعل و ویژگی‌های آن، بررسی شود و چگونگی اجزای تشکیل‌دهنده‌ی گزاره، نظیر مفعول، متمم، مسند، قید و... از نظر دور نمانده است.

کلید واژه‌ها

جمله‌ی ساده، معلوم، مجهول، مسند، گذرا، ناگذر، متمم، دوجزئی، سه‌جزئی، چهارجزئی

چمبيله سفره کبود

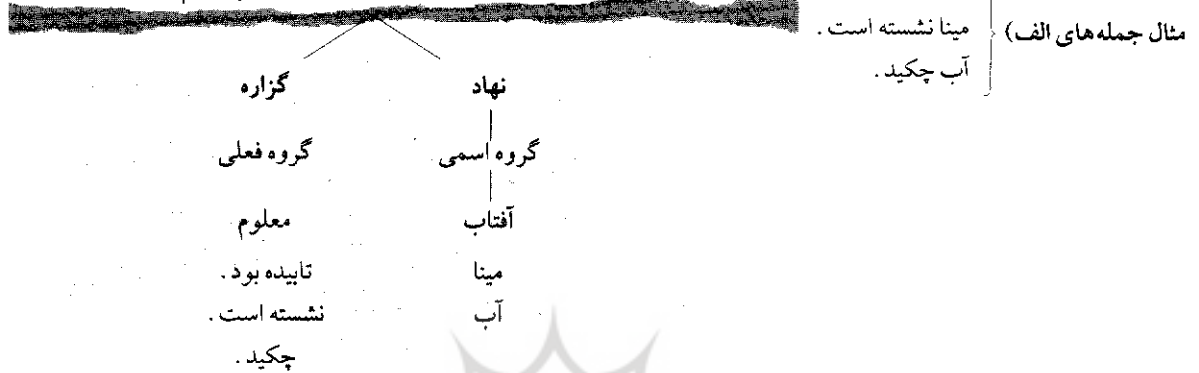
کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی

جمله‌های دو جزئی ناگذر (نهاد + فعل)

این جمله‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف) جمله‌های دو جزئی ناگذر با فعل معلوم ب) جمله‌های دو جزئی ناگذر با فعل مجهول

الف) جمله‌های دو جزئی ناگذر با فعل معلوم: این دسته از جمله‌ها از نهاد + فعل تشکیل شده‌اند و گزاره فقط فعل است و دارای مفهوم کامل است و برای تکمیل خود به جزئی دیگر نیاز ندارد.

نمودار جمله‌های دو جزئی ناگذر با فعل معلوم



در مثال‌های بالا ذهن به دنبال تکمیل مفهوم جمله نیست.

اگر جمله‌ها را به صورت زیر بنویسیم:

آفتاب تابیده بود.	از میان درختان کهن سال	با ابهت	بر شانه‌های آبی مرداب	تابیده بود.
نهاد	متمم قیدی	قید	متمم قیدی	فعل معلوم
آب از شیر ظرف شویی	روی ظرف‌های نشسته	چکید.		
نهاد	متمم قیدی	متمم قیدی	فعل معلوم	

سؤال این است آیا در میان نهاد و فعل معلوم که «حرف اضافه + گروه اسمی (متمم)» قرار گرفته جزء اصلی جمله است؟ که پاسخ منفی است، زیرا فعل‌های «تابیده بود و چکید» دارای مفهوم کامل اند. ضمن این که فاقد حرف اضافه‌ی اختصاصی اند و می‌توانند با چند متمم، که جنبه‌ی توضیحی و غیر ضروری دارند، به کار روند. به همین سبب به این متمم‌ها، «متمم قید» می‌گوییم که از اجزای اصلی جمله نیستند. برای تدریس جمله‌های دو جزئی ناگذر با فعل معلوم، بهتر است از شیوه‌ی مقایسه‌ای بهره بگیریم و این دسته از جمله‌ها را همراه با (جمله‌های ساده‌ی سه جزئی با فعل متمم دار) تدریس کنیم؛ زیرا دانش‌آموزان با تدریس طبقه‌بندی شده نمی‌توانند به راحتی انواع متمم، مانند «متمم فعلی و متمم قیدی» را تشخیص دهند، اما در شیوه‌ی مقایسه‌ای انواع متمم به راحتی قابل درک و شناسایی است.

نمونه‌ی تدریس به شیوه‌ی مقایسه

به جمله‌های زیر توجه کنید:

گروه الف)	باران می‌بارد.	گروه ب)	جمعیت ایران رسید. به چه چیز؟
	درختان لرزیدند.		باد و باران خورده بود. به چه چیز؟
	چشمه‌ی آب خشکیده بود.		رادمردان می‌گذرند. از چه چیز؟

در جمله‌های گروه الف فعل معلوم کامل دارد و حرف اضافه‌ی اختصاصی ندارد. ذهن، مفهوم را کامل درک کرده است پس جمله‌های دو جزئی با فعل ناگذرند و فعل به مفعول یا متمم یا مسند نیازمند نیست.

در جمله‌های گروه ب فعل باید جزء کامل‌کننده‌ی مفهوم را به داخل جمله بکشد، زیرا در این گونه جمله‌ها ذهن ما ناخودآگاه به دنبال



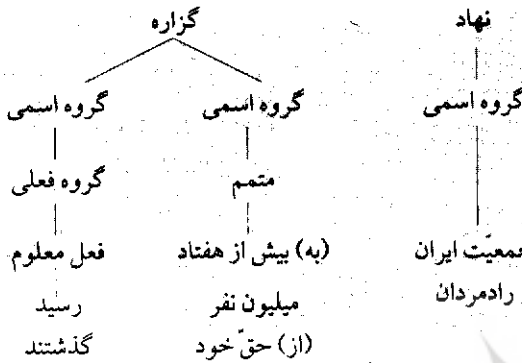
تکه‌ی جدا شده از فعل می‌گردد و می‌پرسد «به چه چیز؟» و «از چه چیز؟» سؤال‌ها با (حرف اضافه + گروه اسمی) پاسخ گفته می‌شود. بنابراین، فعل به جزئی به نام متمم نیازمند است و فعل، حرف اضافه‌ی اختصاصی دارد و این متمم اجباری و جزء اصلی جمله است. اکنون جمله‌ها را به صورت درست زیر می‌نویسیم:

نمودار جمله‌های سه جزئی گذرا با فعل متمم دار

۱. جمعیت ایران به بیش از هفتاد میلیون نفر رسید.
نهاد متمم فعلی فعل متمم دار

۲. باد و باران به صورت پیرزن تنها خورده بود.
نهاد متمم فعلی فعل متمم دار

۳. رادمردان از حق خود گذشتند.
نهاد متمم فعلی فعل متمم دار



در تدریس این درس بر مطالب صفحه‌ی ۷۵ از درس دهم زبان فارسی (۳) عمومی ایراد گرفته می‌شود:

«... اما فعل‌هایی که به متمم نیاز ندارند، دارای حرف اضافه‌ی اختصاصی نیستند؛ مثلاً رفتن با حرف اضافه‌ی «از»، «به» و «با» کاربرد

دارد، هم چنین است، رسیدن، آمدن و غیره»

مؤلفان کتاب، فعل‌های ساخته شده از مصدر «رسیدن» را ناگذر در نظر گرفته اند که درست نمی‌نماید، زیرا می‌توانیم بنویسیم:

حرکت تخت	به گوشم	رسید.
لرزش شیشه‌ها	به گوشم	رسید.
نهاد	متمم اجباری	فعل گذرا به متمم

نمی‌توانیم بنویسیم «حرکت تخت رسید» و یا «لرزش شیشه‌ها رسید». این نمونه و نظایر آن دانش‌آموزان را به اشتباه می‌اندازد. ایراد دیگر این است که در زبان فارسی سال اول دبیرستان تفاوتی برای متمم قیدی و متمم فعلی مورد نظر نیست، اما هدف‌های جزئی و رفتاری کتاب معلم سال اول (ص ۶۰) با محتوای کتاب درسی در تناقض است، زیرا از دانش‌آموزان انتظار می‌رود:

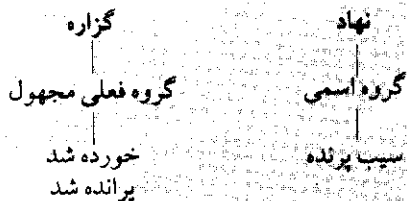
۱. اجزای اصلی گزاره را از اجزای غیر اصلی تشخیص دهند.
 ۲. با نقش‌های عناصر اصلی گزاره (مفعول، مسند، متمم) آشنا باشند.
 ۳. شیوه‌های تشخیص نقش‌های اصلی (مفعول، مسند، متمم) را بشناسند.
 ۴. بتوانند گزاره‌ی جمله‌ها را براساس اجزای اصلی طبقه‌بندی کنند.
- تا زمانی که دانش‌آموزان تفاوت متمم قیدی و متمم فعلی را نمی‌دانند، نمی‌توانند اهداف شماره‌ی (۱)، (۲) و (۴) را برآورده سازند.

ب) جمله‌های دوجزئی ناگذر با فعل مجهول:

این جمله‌ها نیز از دو جزء (نهاد+ فعل مجهول) ساخته می‌شوند که ساخت معلوم این جمله‌ها، «جمله‌های سه جزئی گذرا با فعل مفعول دار» است.

نمودار جمله‌های دوجزئی ناگذر با فعل مجهول

او سیب را خورد ← سیب خورده شد.
نهاد مفعول فعل معلوم نهاد فعل مجهول
علی پرنده را پراند ← پرنده پرانده شد.
نهاد مفعول فعل معلوم نهاد فعل مجهول



- در جمله‌های مجهول، اجراکننده‌ی کار مشخص نیست و در ساختن جمله‌ی مجهول از جمله‌ی معلوم به شیوه‌ی زیر عمل می‌کنیم:
۱. جمله‌ی معلوم باید مفعول‌دار باشد در غیر این صورت فعل آن را گذرا به مفعول می‌کنیم (با تکرار گذراساز)
 ۲. نهاد جمله‌ی معلوم را حذف می‌کنیم.
 ۳. مفعول جمله‌ی معلوم را به عنوان نهاد جمله‌ی مجهول قرار می‌دهیم.
 ۴. فعل معلوم را به صفت مفعولی تبدیل می‌کنیم.
 ۵. از مصدر فعل کمکی «شدن» فعلی می‌سازیم که از نظر زمان با فعل معلوم مطابقت داشته باشد.
 ۶. فعل مجهول باید با نهاد جدید، از نظر شخص و شمار، مطابقت داشته باشد.

جمله‌های ساده‌ی سه جزئی

- | | | | |
|--|--|---|---|
| الف) فعل‌هایی که ذاتاً گذرا به متمم هستند.
ب) فعل‌هایی که مجهول شده‌اند. | } ۱. جمله‌های سه جزئی گذرا با فعل متمم‌دار | } این جمله‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: | |
| الف) فعل‌هایی که ذاتاً گذرا به مفعول هستند.
ب) فعل‌های ناگذری که با تکرار گذراساز «ان» مفعول‌دار می‌شوند. | | | ۲. جمله‌های سه جزئی گذرا با فعل مفعول‌دار |
| الف) جمله‌های سه جزئی گذرا با فعل‌های مسند‌دار (فعل‌های اسنادی)
ب) فعل‌های سه جزئی گذرا که مجهول هستند. | | | ۳. جمله‌های سه جزئی گذرا با فعل مسند‌دار |

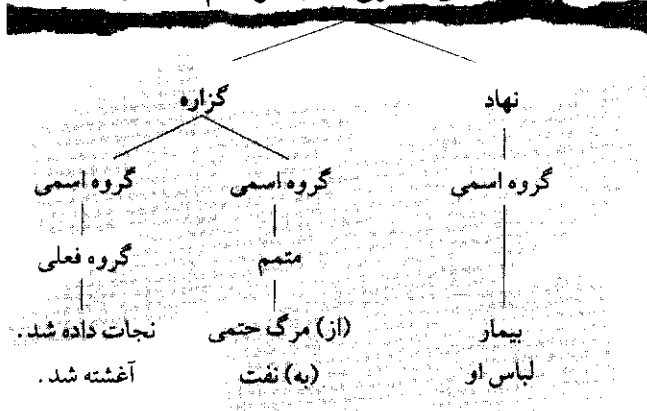
جمله‌های سه جزئی گذرا با فعل متمم‌دار

الف) جمله‌های سه جزئی گذرا با فعل‌هایی که ذاتاً متمم‌دار هستند:
این دسته از جمله‌ها (نهاد + متمم فعل (اجباری) + فعل) در تدریس مقایسه‌ای با «جمله‌های دو جزئی ناگذر» مورد بحث و بررسی قرار گرفت.
ب) جمله‌های سه جزئی گذرا با فعل‌های مجهول:
این جمله‌ها نیز از سه جزء (نهاد متمم + فعل مجهول) ساخته شده است. ساخت معلوم این جمله‌ها، «جمله‌های چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم» است که مراحل مجهول شدن فعل‌های معلوم را پیموده‌اند و به «سه جزئی گذرا به متمم با فعل مجهول» تبدیل شده‌اند.
مثال:

پزشک بیمار را از مرگ حتمی نجات داد ← بیمار از مرگ حتمی نجات داده شد / یا نجات یافت
نهاد مفعول متمم فعل معلوم ← نهاد متمم فعل مجهول / فعل مجهول

ریزعلی دهقان لباسش را به نفت آغشت ← لباس او به نفت آغشته شد / یا آغشت
نهاد مفعول متمم فعل معلوم ← نهاد متمم فعل مجهول / فعل مجهول

نمودار جمله‌های سه جزئی گذرا با فعل متمم‌دار مجهول





جمله‌های سه جزئی گذرا با فعل مفعول دار

الف) جمله‌های سه جزئی گذرا با فعل‌هایی که ذاتاً مفعول دار هستند (نهاد + مفعول + فعل) مفعول: گروه اسمی است که بعد از نقش نمای «را» می‌آید.

۱. ما لمس کردیم. چه چیز را؟ ← ما دست‌های مهربان و لطیف او را لمس کردیم.
نهاد مفعول فعل

۲. او برگرداند. چه چیز را؟ یا چه کسی را؟ ← او نیم‌رخش را برگرداند.
نهاد مفعول فعل

۳. من دیدم. چه کسی را؟ ← من دوستانم را دیدم.
نهاد مفعول فعل

در این جمله‌ها فعل نیاز به مکمل دارد که همان مفعول است. در جمله‌های سمت راست با پرسش‌های «چه چیز را؟» و «چه کسی را؟» جزء

کامل‌کننده‌ی گزاره را مشخص می‌کنیم که جزء اصلی جمله است

گروه اسمی + را
مفعول (جزء اصلی جمله)

ب) جمله‌های سه جزئی گذرا به مفعول با فعل‌های ناگذری که با تکواژ گذراساز «ان» مفعول دار می‌شوند.

۱. کودک گریست. ← او کودک را گریاند.
نهاد فعل ناگذر گذرا به مفعول نهاد مفعول فعل گذرا شده به مفعول با «ان»

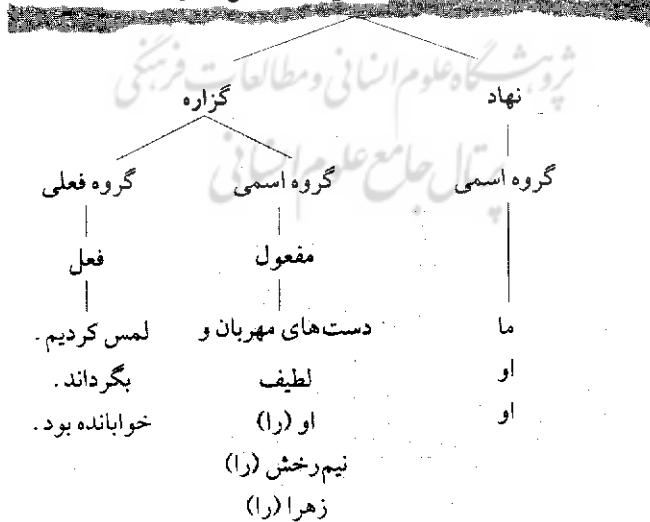
۲. زهرا خوابیده بود. ← او زهرا را خوابانند.
نهاد فعل ناگذر گذرا به مفعول نهاد مفعول فعل گذرا شده به مفعول با «ان»

* نهاد جمله‌های دو جزئی با فعل ناگذر، مفعول جمله‌های سه جزئی واقع می‌شود و تکواژ گذراساز «ان» به بن مضارع فعل ناگذر اضافه می‌گردد و آن‌ها را گذرا به مفعول می‌کند.

* همه‌ی فعل‌های ناگذر نمی‌توانند گذرا به مفعول شوند، مانند: آمدن، رفتن، آسودن، ماندن و...

* جمله‌های سه جزئی گذرا به مفعول با فعل مجهول، در دسته‌بندی انواع جمله وجود ندارد.

نمودار جمله‌های سه جزئی گذرا با فعل مفعول دار



جمله‌های سه جزئی گذرا با فعل‌های مسنددار

الف) جمله‌های سه جزئی گذرا با فعل‌های اسنادی (نهاد + مسند + فعل اسنادی)

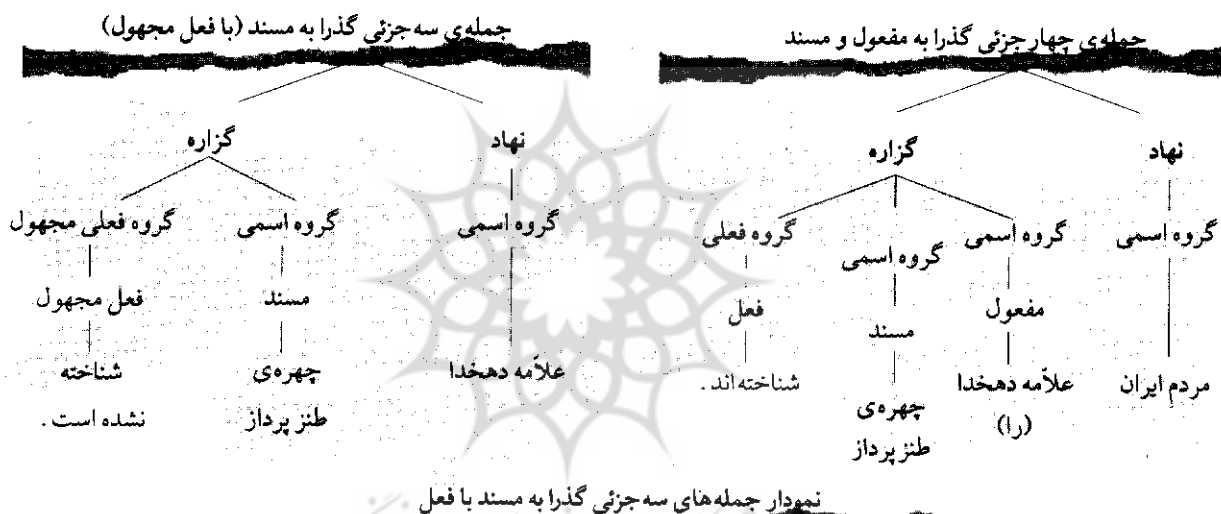
در این جمله‌ها از مصدر (بودن، شدن، گشتن و گردیدن) فعل‌هایی نظیر: بود، شد، می‌شود، گشت، گردید و... به کار می‌روند اما این

افعال به شرطی اسنادی هستند که معناپذیر نباشند و فقط ارتباط دستوری بین نهاد و مسند برقرار کنند.

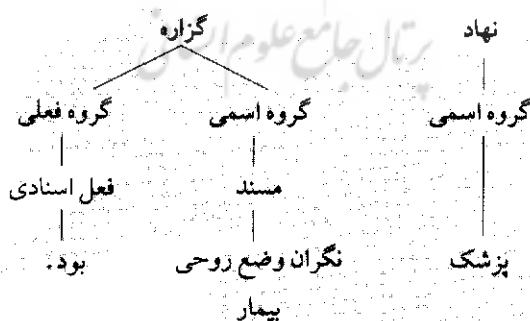
۱. پزشک کنار بیمار بود. (حضور داشت) فعل معنابذیر	۲. مادر کیف فاطمه را گشت / گردید. فعل معنابذیر به معنای جست و جو و بررسی کرد	}	ب	۱. پزشک نگران وضع روحی بیمار بود. فعل اسنادی معنابذیر نیست	۲. هوا سرد شد / گشت / گردید. فعل های اسنادی زیرا معنابذیر نیستند	}	الف
---	---	---	---	---	---	---	-----

در جمله های گروه (الف) فعل ها معنابذیر نیستند و روابط دستوری بین نهاد و مسندند و نمی توانیم مسند را نیز از جمله حذف کنیم و بنویسیم: «پزشک بود، هوا شد / گشت / گردید» بنابراین، «مسند» گروه های اسمی و اجزای اصلی جمله اند که به ظاهر نقش نما ندارند. (ب) این گروه جمله های سه جزئی گذرا به مسند، مجهول اند و ساخت معلوم آن ها به صورت «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است و هنگام مجهول کردن فعل جمله، ساخت جمله به صورت «نهاد + مسند + فعل» گفته می شود.

مثال: مردم ایران، علامه دهخدا را چهره ای طنزپرداز شناخته اند ← علامه دهخدا چهره ای طنزپرداز شناخته شده است.
 نهاد مفعول مسند فعل معلوم نهاد مسند فعل مجهول



نمونه دار جمله های سه جزئی گذرا به مسند با فعل



ج) بررسی جمله های چهار جزئی با فعل های گذرا

۱. جمله های چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم: (نهاد + مفعول + متمم + فعل)

ساخت این جمله ها نیز به دو صورت است:

الف) ساخت دسته ی اول با فعل هایی است که گذرا به مفعول و متمم است و فعل با «ان» گذرا ساز، گذرا نمی شود مانند:

ریز علی دهقان لباسش را به نفت آغشت.
 نهاد مفعول متمم فعل گذرا به مفعول و متمم





ب) ساخت دسته‌ی دوم با فعل‌های سه‌جزئی گذرا به مفعول و متمم است که تکواژ سببی گذراساز، این گروه فعل‌ها را از سه‌جزئی به چهار جزئی تبدیل می‌کند، مانند:

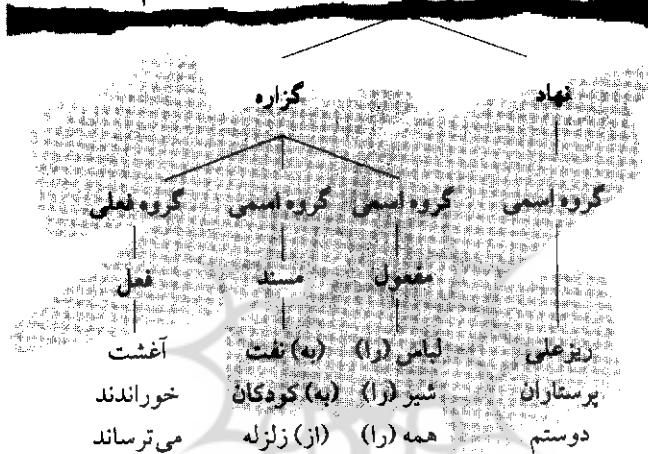
کودکان شیر را خوردند. ← پرستاران شیر را به کودکان خوراندند.
 نهاد مفعول فعل مفعول‌دار نهاد مفعول متمم فعل گذرا شده با «ان»

هنگام مجهول کردن، این جمله از چهار جزئی به سه‌جزئی گذرا به متمم تبدیل می‌شوند.

همه از زلزله می‌ترسند ← دوستم همه را از زلزله می‌ترساند ← همه از زلزله ترسانده می‌شدند.
 نهاد مفعول فعل مفعول‌دار نهاد مفعول متمم فعل گذرا شده با «ان» نهاد متمم فعل مجهول

جمله‌ی سه‌جزئی گذرا به مفعول جمله‌ی چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم جمله‌ی سه‌جزئی مجهول با فعل گذرا به متمم

نمودار جمله‌ی چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم



۲. جمله‌های چهار جزئی گذرا به مفعول و مستند (نهاد + مفعول + مستند + فعل)

فعل این جمله‌ها معمولاً از مصدر «به‌شمار آوردن، پنداشتن، نامیدن، لقب‌دادن، گذاشتن، کردن، نمودن، ساختن، گرداندن و...» ساخته می‌شود.

مثال: او بیمار گردید ← هوای سرد او را بیمار گرداند/کرد/ نمود/ ساخت.
 نهاد مستند فعل اسنادی نهاد مفعول مستند فعل گذرا به مفعول و مستند

مردم محل علی را پهلوان می‌نامند/ می‌گویند/ می‌پندارند/ می‌خوانند/ به شما می‌آورند.
 نهاد مفعول مستند فعل گذرا به مفعول و مستند

با توجه به مثال‌های فوق و نظیر این مثال‌ها، از مصدر «گردیدن» هرگاه که جمله‌ای چهار جزئی با فعل گذرا به مفعول و مستند ساخته شود، «تکواژ گذراساز» به کار می‌رود.

* ساخت مجهول این جمله‌ها به صورت (نهاد + مستند + فعل مجهول) است.

مردم محل علی را پهلوان می‌نامند ← علی پهلوان نامیده می‌شود.
 نهاد مفعول مستند فعل گذرا به مفعول و مستند نهاد مستند فعل مجهول

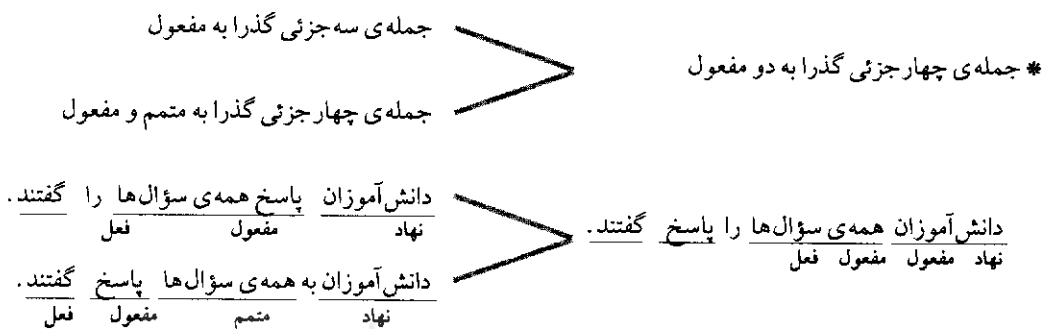
۳. جمله‌های چهار جزئی گذرا به دو مفعول

* این دسته از جمله‌ها دارای دو مفعول است که مفعول اول دارای نقش نمای «را» و مفعول دوم بدون «را» است.

* می‌توانیم این جمله‌ها را به دو صورت بنویسیم، یک بار به صورت جمله‌ی سه‌جزئی گذرا به مفعول؛ یعنی مفعول بدون نشانه‌ی «را»

به صورت مضاف (هسته) و مفعول نشانه دار را به صورت مضاف‌الیه (وابسته) به کار برد. بار دوم می‌توان جمله را به صورت چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم نوشت.

مثال: نقاش دیوار را رنگ زد ← نقاش نهاد مفعول رنگ دیوار را به دیوار زد. ← نقاش نهاد مفعول رنگ دیوار را به دیوار زد. ← نقاش نهاد مفعول رنگ دیوار را به دیوار زد. ← نقاش نهاد مفعول رنگ دیوار را به دیوار زد.



* شکل مجهول این جمله‌ها به صورت زیر است:

الف) دو جزئی (نهاد + فعل مجهول) غذای کودک داده شد. پاسخ همه‌ی سؤال‌ها گفته شد

نهاد فعل مجهول نهاد فعل مجهول نهاد

ب) سه جزئی (نهاد + متمم + فعل مجهول)

غذا به کودک داده شد. پاسخ به همه‌ی سؤال‌ها گفته شد.

نهاد متمم فعل مجهول نهاد متمم فعل مجهول

۴. جمله‌های چهار جزئی با فعل گذرا به متمم و مسند (نهاد + متمم + مسند + فعل)

فعل این جمله‌ها معمولاً از مصدر «گفتن در مفهوم نامیدن، صدا زدن و لقب دادن» ساخته می‌شود.

مثال: مردم محل به علی پهلوان می‌گویند/ لقب می‌دهند.

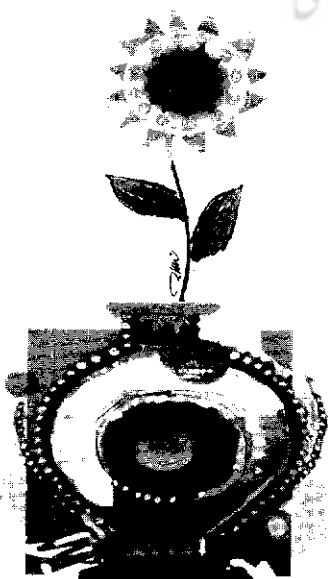
نهاد متمم مسند فعل گذرا به متمم و مسند

نتیجه‌گیری:

با توجه به بررسی جمله‌های ساده معلوم و مجهول مشخص می‌شود که کوچک‌ترین جمله «ساده دو جزئی» و بزرگ‌ترین جمله «چهار جزئی» است و «فعل» نقش اصلی و اساسی در تعیین اجزای جمله دارد، زیرا فعل با توجه به مفهوم و پیام خود، «مفعول و متمم یا مسند» و یا «مفعول و متمم، مفعول و مسند، متمم و مسند و دو مفعول» می‌گیرد.

اولین جزء هر جمله نهاد است و آخرین جزء فعل است. جمله‌های مجهول نیز در گروه جمله‌های ساده قرار دارند. حداقل جمله‌های مجهول «دو جزئی» و حداکثر «سه جزئی» است.

جمله‌های دو جزئی به متمم نیاز ندارند و معمولاً متمم به صورت قید و برای توضیح اضافی می‌آید و قابل حذف است.



نمودار جمله‌های ساده و اجزای آن

جمله‌های دوجزئی

۱. جمله‌های دوجزئی ناگذر با فعل معلوم (نهاد + فعل)
۲. جمله‌های دوجزئی ناگذر با فعل مجهول (نهاد + فعل مجهول)

جمله‌های سه‌جزئی

۱. جمله‌های سه‌جزئی گذرا با فعل متمم‌دار
 ۱. فعل‌هایی که ذاتاً گذرا به متمم هستند.
 ۲. فعل‌هایی که مجهول شده‌اند.

نهاد + متمم + فعل
۲. جمله‌های سه‌جزئی گذرا با فعل مفعول‌دار
 ۱. فعل‌هایی که ذاتاً گذرا به مفعول هستند.
 ۲. فعل‌هایی تاکنونی که با تکواژ گذراساز «ان» گذرا به مفعول شده‌اند.

نهاد + مفعول + فعل
۳. جمله‌های سه‌جزئی گذرا با فعل مسند‌دار
 ۱. فعل‌های اسنادی دارند.
 ۲. فعل‌های مجهول شده دارند.

نهاد + مسند + فعل

جمله‌های چهارجزئی

۱. جمله‌های چهارجزئی گذرا به مفعول و متمم
 ۱. فعل‌هایی که ذاتاً گذرا به مفعول و متمم هستند.
 ۲. فعل‌های مفعول‌دار یا متمم‌دار که با تکواژ گذراساز «ان» گذرا به مفعول و متمم می‌شوند.

نهاد + مفعول + متمم + فعل
۲. جمله‌های چهارجزئی گذرا به مفعول و مسند
 ۱. فعل‌هایی که ذاتاً گذرا به مفعول و مسند هستند.
 ۲. فعل‌های مسند‌دار که با تکواژ گذراساز «ان» گذرا به مفعول و مسند می‌شوند.

نهاد + مفعول + مسند + فعل
۳. جمله‌های چهارجزئی گذرا به دو مفعول

نهاد + مفعول نشانه‌دار + مفعول بی‌نشانه + فعل
۴. جمله‌های چهارجزئی گذرا به متمم و مسند

نهاد + متمم + مسند + فعل

منابع و مأخذ

۱. اکبری، فریدون و... کتاب معتم زبان فارسی (۱) و (۲) و (۳)، تهران، اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی، ۱۳۸۰
۲. انوری، حسن، احمدی گیوی، حسن، دستور زبان فارسی (۲)، تهران، صنوبر، ۱۳۶۷
۳. حق شناس، علی محمد و...، زبان فارسی (۱)، (۲) و (۳) عمومی و (۳) تخصصی، تهران، اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی
۴. عمرانی، غلامرضا، سبطی هامون، زبان فارسی (ج ۱)، تهران، اندیشه‌سازان، ۱۳۸۱
۵. _____، زبان فارسی (ج ۲)، تهران، مبتکران، ۱۳۸۵
۶. وحیدیان کامیار، تقی، عمرانی، غلامرضا، دستور زبان فارسی (۱)، تهران، سمت، ۱۳۷۹